



# بانان معلمی بسازیم

علیرضا زارع  
دبیر دینی خطاب به دبیران:

گفت‌وگو: آزاده شاکری



اشاره

«خداوند ما را برای معلمی انتخاب کرده است.» این را علیرضا زارع معلم دینی و قرآن شهر یزد با بیست و نه سال سابقه‌ی کار و تدریس در آموزش و پرورش می‌گوید و به معلمان توصیه می‌کند با توجه به همین انتخاب الهی، سعی کنند یک شغله باشند و وقتشان را به مطالعه‌ی قرآن و سیره‌ی اهل بیت اختصاص دهند.

این معلم چهل و نه ساله‌ی یزدی در طول خدمتش در آموزش و پرورش، علم‌آموزی را رها نکرده و بدون استفاده از مأموریت تحصیلی، تحصیلاتش را تا سطح کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث ادامه داده است.

زارع که جانباز سی و پنج درصد جنگ تحمیلی است، در گفت‌وگویی با رشد معارف اسلامی، از فضای مدرسه و کلاس در زمان جنگ، از لزوم نگاه متفاوت و امیدوارانه به دانش‌آموزان و از تجربیات نزدیک به سی سال تدریس دینی و قرآن می‌گوید.

## ■ به نظر شما دبیران دینی تا چه اندازه در تربیت دینی فرزندان جامعه ما موفق بوده‌اند؟

□ به نظرم ناموفق نبوده‌ایم. مدتی قبل یکی از دانش‌آموزانم که معاون اداره‌ی مسکن و شهرسازی است برای شرکت در مراسم بزرگداشت از من دعوت کرد. وقتی به آنجا رفتم دیدم که تعدادی از استادان خود من هم در آنجا حضور دارند. او تعریف می‌کرد که عملکرد و گفتار و رفتار من نزدش (که البته بنده قابل نبوده‌ام و این‌ها در راه رضای خدا بوده است) به گونه‌ای بوده که وقتی از وی خواسته بودند که یک نفر را برای مراسم بزرگداشت مقام معلم دعوت کن، مرا دعوت کرده است. یعنی تأثیر بیان مسائل تربیتی، اخلاقی، ادعیه و قرآن به دانش‌آموزان تا این حد بوده که بعد از پانزده سال هنوز در یاد فرد بوده است. البته همان‌طور که گفتیم، ما تا اندازه‌ای موفق بوده‌ایم و در یک مجموعه‌ی آموزشی نمی‌شود گفت که توفیق ما صددرصد بوده است. ما در اوایل جنگ فضای خوبی داشتیم زیرا درون خانواده و جامعه با درون کلاس سنخیت داشت. الان فضای کلاس با فضای بیرون تعادل ندارد. اگر این دوگانگی نباشد موفق‌تر خواهیم بود. ما این‌جا ارشاد و راهنمایی می‌کنیم و مسائل قرآنی را می‌گوییم ولی اگر خدای نکرده، دانش‌آموز در خانه و با خانواده دید دیگری داشته باشد، اثرات معکوس دارد. یا اگر صداوسیما، فیلم‌ها یا اینترنت و فضای مجازی با صحبت‌ها و تدریس من هم کفو و همراه نباشد، مطمئناً اثرگذار نخواهد بود.

## معلم دلسوزی بوده‌ام

### ■ فکر می‌کنید تا چه حد معلم موفق بوده‌اید؟

□ من معلم دل‌سوزی بوده‌ام. پنج شش ماه دیگر تا بازنشستگی‌ام بیشتر نمانده است. وقتی به سابقه‌ی کارم نگاه می‌کنم، می‌بینم که به اندازه‌ی توانم کار کرده‌ام. همیشه از خدا خواسته‌ام که خدا یا من وسیله‌ام، امر هدایت به دست توست. حالا که من این توفیق را داشتم و معلم شدم، خودت یاری‌ام ده و به من القا کن تا من بتوانم از سیره‌ی اهل بیت و قرآن استفاده کنم.

در مجموع دل‌سوز بوده‌ام، ولی نمی‌توانم به ارزش‌یابی خودم جواب قاطعی بدهم. فکر می‌کنم با بچه‌ها خیلی پدرانه، دوستانه، محبت‌آمیز و صادقانه برخورد می‌کنم و به دانش‌جویان و معلمان می‌گویم اگر ما نکته‌ای را به اشتباه بگوییم یا تندی هم بکنیم ولی صادقانه باشد، از ما می‌پذیرند و ان‌شاءالله خداوند ما را در راستای هدف معلمی‌مان موفق کند.

## ■ شما از چه روشی در تدریس معارف اسلامی استفاده می‌کنید؟

□ در جاهای مختلف روش‌های تدریس این درس فرق می‌کند.

مثلاً خیلی از همکاران گلایه دارند که هنرجویان در هنرستان‌های فنی‌و حرفه‌ای و کارودانش نمی‌توانند آیات را روخوانی کنند یا حتی درس را بخوانند. به نظر من مقدم این است که دانش‌آموز بتواند درس را بخواند و بعد مفردات و لغات درس برایش گفته شود تا بعد بتواند درس را بفهمد. به نظرم مخاطب‌شناسی در تدریس بسیار مهم است. یعنی معلم باید در روزهای اول و دوم شاگردان را درخصوص مفاهیم قرآنی، دینی و خود کتاب، محک بزند و ببیند با چه روشی باید کار کند و اگر می‌بیند آن‌ها مطالب را می‌دانند و می‌فهمند، بیش‌تر خودشان را در تدریس سهیم کند و بخواهد سؤال طراحی کند. اگر دانش‌آموزان نمی‌توانند بخوانند، سر کلاس عبارت‌خوانی کنند، لغات گفته شود، خودشان توضیح دهند و معلم توضیح تکمیلی دهد. در مجموع شیوه‌ی من این است که شاگردان حتماً باید قبل از تدریس معلم، درس را پیش‌خوانی کنند. اشکال داشته باشند و با پرسش و پاسخ درس شروع شود. این‌طور هم مخاطبان خسته نمی‌شوند، هم معلم و هم همه‌ی کلاس درگیر هستند. خود معلم هم نباید متکلم وحده باشد. متکلم‌وحده بودن معلم، هم به خود او فشار می‌آورد و هم شاگرد را خسته می‌کند.

مثلاً من در تدریس قرآن از بچه‌ها می‌خواهم دو نفر، دو نفر درس را بخوانند. خودم هم در کلاس اشکال خواندن آیات را رفع می‌کنم. بعد با کمک خودشان به ترجمه‌ی آیات می‌پردازیم. به آن‌ها هم می‌گویم که نمی‌خواهم در خانه چیزی بنویسند. می‌خواهم که در مدرسه ترجمه‌ی آیات را بنویسند و اگر اشکالی داشتند، بپرسند. با این روش دیگر آن‌ها رونویسی نمی‌کنند و اگر لغتی را بلد نیستند، می‌پرسند و هم کلاس در یک فضای جمعی و به صورت مشاهده‌ای برگزار می‌شود.

## ■ دانش‌آموزان را چگونه تشویق می‌کنید که درس را پیش‌خوانی کنند یا در کلاس مشارکت داشته باشند؟

□ من دانش‌آموزان را از طریق نمرات مستمر به این درس تشویق می‌کنم. اگر آن‌ها یک سؤال را هم جواب بدهند نمره‌ی ۱۹ یا ۲۰ به آن‌ها می‌دهم تا اعتماد به نفس پیدا کنند و برای خود شخصیت قائل شوند. مثلاً شاگردانی در کلاس داشته‌ام که می‌گفتند ما قبلاً درس دینی‌مان ضعیف بوده است و نمرات پایین گرفته‌ایم. اگر همین دانش‌آموز یک آیه یا یک عبارت را خوب ترجمه یا پیش‌خوانی کند و خوب جواب بدهد، من به او نمره‌ی عالی می‌دهم تا کم‌کم احساس پیشرفت کند و در جلسات بعد همین دانش‌آموز تشویق می‌شود که هم پیش‌خوانی کند و هم درخواست و توقعش بالا بیاید. شاید در سؤال‌اتم تنوع و سخت‌گیری باشد اما در نمرات مستمر و کلاسی‌ام، شاید هیچ‌وقت حتی نمره‌ی ۱۵ یا ۱۶ هم نداشته باشم. تقریباً هر ماه یک امتحان کتبی و یک امتحان تستی می‌گیرم و در هر جلسه شش، هفت سؤال مطرح می‌کنم.

من شاگردان را نومید، مجرم و خطاکار ارزیابی نمی‌کنم



اگر صدا و سیما، فیلم‌ها و اینترنت با صحبت‌ها و تدریس من هم کفو و همراه نباشد، مطمئناً اثرگذار نخواهد بود







## ■ معلمان دینی با چه مشکلاتی مواجه هستند؟

□ اغلب معلمان ما با سؤالات و شبهات جدید آشنا نیستند و منابع پاسخ‌گویی به آن‌ها را هم ندارند. آموزش و پرورش باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که منابع تدریس و منابعی برای پاسخ‌گویی به شبهات جدید در دسترس معلمان قرار گیرد.

## ■ تفاوت معلم دینی با معلمان سایر دروس چیست؟

□ من نقش تربیتی آن‌ها را کم نمی‌دانم و در زمانی که مدیر بودم، خیلی از این دبیران در حل مسائل تربیتی - پرورشی و مثلاً در اقامه‌ی نماز یا در مراسم صبحگاه کمک می‌کردند. آن‌ها هم اثرشان کم‌تر از ما نیست. اصلاً این است که ما یک تربیت عمومی داریم که آن‌ها هم در این تربیت اثرگذار هستند و یک تربیت اختصاصی دینی داریم که باید توسط یک فرد متخصص اجرا شود، فردی که بتواند پاسخ‌گوی مسائل دینی باشد. اما در مسائل تربیتی عمومی و الگویی، نقش هر دو یکی است.

## ■ به نظر شما در آموزش و پرورش چه حرکت‌هایی برای

### ارتقای معلمان دینی لازم است صورت بگیرد؟

□ یکی از دوستانم در این مورد پیش‌نهاد جالبی داشت و آن این بود که به جای دوره‌های پراکنده ضمن خدمت، برای معلمان در خلال سی سال خدمت، یک سیر مطالعاتی عمومی و یک سیر مطالعاتی تخصصی برنامه‌ریزی شود. سیر مطالعاتی عمومی شامل روش‌های تربیتی، بهداشتی و اجتماعی باشد. یعنی معلم در این سی سال هم خودش را از مسائل آموزشی و تربیتی بی‌نیاز نبیند و هم خودش بفهمد که چه مطالعاتی دارد. به هر حال، با توجه به ضرورت‌های جامعه، ابتدا نیازسنجی لازم است و سپس مسلح و مجهز کردن معلمان در دو بُعد عمومی و تخصصی، به سلاح‌هایی که نیاز شاگردان ماست.

یکی هم استفاده از روش‌های تربیتی و علمی جدید است که باید معلمان آن‌ها را در سی سال به صورت مدون و مشخص فرابگیرند، ضمناً نه تنها با تشویق مادی همراه باشد که ارتقای علمی معلمان هم مدنظر قرار گیرد. مثلاً اعلام کنند هر کس که در ده سال اول این دوره تخصصی را بگذراند این امتیاز را دارد و در ده سال دوم و سوم هم این امتیازات را به همراه دارد. تا هم معلم علاقه‌مند شود و هم نیاز جامعه برآورده گردد و معلمان ارتقای علمی پیدا کنند.

## ■ تا به حال با مواردی مواجه شده‌اید که دانش‌آموز، سؤالی (مذهبی یا سیاسی) پیچیده‌تر از سطح کلاس مطرح کند یا

### نظام ارزشی جامعه را زیر سؤال ببرد؟

□ بله هم خودم با چنین مواردی مواجه شده‌ام و هم همکارانم در گروه چنین مسائلی را مطرح می‌کنند. من در حد معمول کلاس به دانش‌آموزان اجازه می‌دهم که در ده پانزده دقیقه سؤالات‌شان را مطرح کنند. گاهی آنان سؤالات انحرافی طرح می‌کنند و گاهی سؤالات خوبی هم در این میان مطرح می‌شود. مخصوصاً در مدارس استعدادهای درخشان، مدیران ما خیلی مشکل دارند و می‌گویند دبیران دینی پاسخ‌گوی سؤالات دانش‌آموزان نیستند. ما برای

پاسخ‌گویی به سؤالات شاگردان باید فضای خوبی داشته باشیم و مطمئناً به افرادی نیاز داریم که کارشناس‌تر باشند تا به این نیاز دانش‌آموزان پاسخ دهند. مخصوصاً در پایه‌ی سوم که مسئله‌ی انقلاب، رهبری و ولایت فقیه مطرح می‌شود.

من در مجموع سعی می‌کنم تا دانش‌آموز را منحرف نکنم و تا آن‌جایی که بلد هستم او را قانع کنم و اگر هم بلد نیستم از صاحب‌نظران بپرسم و با توجه به حساسیت مسائل دینی - سیاسی سعی می‌کنم شاگردانم بی‌جواب نمانند.

## ■ اگر مسئله‌ای بپرساند که هنوز برای خودتان حل نشده است، چه‌طور برخورد می‌کنید؟

□ از بزرگان می‌پرسم و بی‌جواب‌شان نمی‌گذارم. مسائل دینی ما بی‌جواب نیست. ما الحمدلله دینی داریم که پاسخ‌گوی همه‌ی مسائل است. ولی ممکن است من بلد نباشم و ندانم. الان در این فضاها، مدارس خاص ما در این خصوص بسیار مشکل دارند و نیاز است که مجلات، کانال خاص یا افرادی باشند که پاسخ‌گوی سؤالات آنان باشد. ما در شهر خودمان چند اندیشمند دینی داریم که این سؤال را با آن‌ها مطرح می‌کنیم و بعد جواب‌ها را در گروه می‌آوریم و در موردشان بحث می‌کنیم تا وقتی معلمان سر کلاس می‌روند آمادگی لازم را برای پاسخ‌گویی داشته باشند.

## ■ آیا خود شما هم روشی دارید که شاگردان را به سؤال کردن تشویق کند؟

□ گاهی وقت‌ها که فرصت هست از آن‌ها می‌خواهم که سؤالات‌شان را به صورت مکتوب مطرح کنند. مثلاً می‌بینم فضای کلاس ایجاب می‌کند یا بچه‌ها خجالت می‌کشند سؤال کنند یا جلسات عمومی است از آن‌ها می‌خواهم سؤالات‌شان را بنویسند و من جواب می‌دهم یا می‌گویم که در جلسات بعدی جواب خواهم داد. در مجموع آن‌ها را به سؤال کردن تشویق و ترغیب می‌کنم و توی ذوق‌شان نمی‌زنم که سؤال نکنند. چون در این صورت سؤال در ذهن‌شان باقی می‌ماند و نومید می‌شوند. باید کاری کرد که آنان به سؤال کردن تشویق شوند.

## اهمیت زیباسازی پیام دینی

### ■ در جهان امروز که دانش‌آموز با دنیایی از تناقض روبه‌رو است، دبیر معارف چه نقشی دارد؟

□ وظیفه داریم به کمک محتوای کتاب و به‌کارگیری نقش تربیتی خود، درس را خوب آموزش دهیم و در نهایت باید پاسخ‌گوی خانواده برای موفقیت دانش‌آموز در کنکور باشیم و به موازات با تربیت دینی خود و آمادگی و خودسازی برای خود، روش‌های نوین و جدیدی را به‌کار بگیریم. متأسفانه مطالب ما متناسب با فضای جدید، هنرمندانه و زیبا ارائه نمی‌شود. مثلاً می‌توانیم از سیدی‌های زیبا در مورد قرآن یا حدیث، یا از فیلم و نمایش‌هایی زیبا در این مورد استفاده کنیم.

با توجه به ضرورت‌های جامعه، ما باید نیازسنجی کنیم و معلمان را در دو بُعد عمومی و تخصصی مسلح کنیم



وقتی دانش‌آموزان در فضای جشن، عزاداری، نماز یا صبحگاه قرار می‌گیرند و ببینند که فضاهای مطبوع و مناسبی است، جذب آن‌ها می‌شوند





**اگر کسی بتواند با نان معلمی خودش را بازنشسته کند و به کار دیگری نپردازد، می تواند خیلی موفق باشد**

می گویم تجربه‌ی معلمی من این است که اگر می‌خواهید در زندگی خوش‌بخت باشید، نمازتان را اول وقت بخوانید، به پدر و مادرتان نیکی کنید و با مردم طوری برخورد کنید که اگر آن برخورد با خود شما شد، آن را پذیرا باشید.

خیلی از آن‌ها را می‌بینم که با شنیدن این حرف‌ها در خود فرو می‌روند و فکر می‌کنند. سعی می‌کنم بخش اختتامیه‌ی کلاس را به این حرف‌ها اختصاص دهم و در کنارش قصه‌ها و تجربیاتی را که دیگران یا خودم داشته‌ام بگویم. یا این‌که در مورد این بگویم که دعای پدر یا مرحوم مادرم در زندگی‌ام چه قدر تأثیر داشته است. وقتی بعد از سال‌ها، آن‌ها را می‌بینم، خاطراتشان را از کلاس بازگو می‌کنند و می‌گویند شما با ما این‌طور رفتار کردید و یا این را ما از شما یادگاری داریم. همیشه سعی کرده‌ام که کارهایم خالصانه باشد و کار خالصانه را مردم همیشه پذیرا هستند.

**■ دانش‌آموزان در چه کارهایی بیش‌تر از شما تأثیر می‌پذیرند؟**

□ فکر می‌کنم در نماز. در این بیست و هفت هشت سالی که من معلم بوده‌ام، نماز ظهرم را همیشه با شاگردان در مدرسه خوانده‌ام. نه این‌که ریا باشد، من با آنان بودن را دوست دارم.

در مورد مسائل اجتماعی و فرهنگی هم که گاهی اوقات از من سؤال می‌کنند، گرچه می‌دانم مجاب کردن آن‌ها مشکل است. اما بعداً می‌بینم که حرکت‌هایشان در راهپیمایی‌ها یا در صبحگاه و در نماز یا برنامه‌های دیگر نمود دارد. اگر دانش‌آموزان پی ببرند که حرکت از روی ریا و چاپلوسی نیست، آن را می‌پذیرند.

**■ چگونه دانش‌آموزان را به نماز و انجام فرائض دینی تشویق می‌کنید؟**

□ مهم‌ترینش این است که من در تمام مدارسی که می‌روم نماز می‌خوانم، الحمدلله، خدا صدای خوبی هم به من داده است و در بعضی از مدارس خودم اذان می‌گویم و حتی وقتی مدیر بودم در مراسم صبحگاه مدرسه، خودم قرآن تلاوت می‌کردم و نماز ظهر و عصر را در مدرسه با جماعت می‌خواندم و در این مسائل پیش قدم می‌شدم و شاگردان را هم تشویق می‌کردم. وقتی آن‌ها این رفتارها را ببینند، دیگر فکر می‌کنم جایی برای سؤال نباشد و نمی‌گویند خودش دستش را به کمرش زده است و فقط امر و نهی می‌کند. باید فضا را طوری آماده کنیم که بچه‌ها بدانند ما خودمان هم اهل نماز هستیم.

**کتاب‌های دین و زندگی**

■ **نظر شما راجع به حجم و محتوای کتاب‌های درسی چیست؟**

و چه تغییراتی را برای این کتاب‌ها پیش‌نهاد می‌کنید؟

□ به نظر من در کتاب‌های دین و زندگی دیدگاه‌های خیلی خوبی مطرح شده است. البته برای برخی هنرجویان هنرستان‌ها شاید کمی

من گاهی سی‌دی‌های یک صد سؤال مکتوب آقای قرائتی را به شاگردانم می‌دهم تا تکثیر کنند. این سی‌دی‌ها به خوبی به سوالاتی که برای آنان خیلی غامض و دشوار است، پاسخ می‌دهد.

ما باید، همان‌طور که دشمن از طریق زیباسازی و ایجاد جذابیت و خوب جلوه کردن دانش‌آموزان را جذب می‌کند، اقدام مشابه کنیم. ما که به مکاتب دینی خودمان اعتقاد اصیل داریم، باید در قالب‌های فرهنگی، هنری، ورزشی و زیبایی هنر کلاممان را خوب ارائه دهیم تا برای آنان جذاب باشد.

وقتی شاگردان، در فضای جشن، عزاداری، نماز یا صبحگاه قرار می‌گیرند و ببینند که فضای مطبوع و مناسبی است، جذب آن‌ها می‌شوند. چون تمایل به دین الهی در فطرت انسان‌هاست و همه بر فطرت الهی خلق شده‌ایم. اگر ما فطرت الهی را خوب به آن‌ها نشان دهیم، مطمئناً با این فضاها مانوس می‌شوند. متأسفانه ما سلیقه‌های شخصی‌مان را دخالت می‌دهیم، سخت‌گیری می‌کنیم، از هنر دور هستیم و با چنین زمینه‌ای می‌خواهیم احکام بگویم و قرآن بخوانیم و زیباسازی و ایجاد جذابیت را در نظر نمی‌گیریم.

دشمن کلام باطل را با روکش زیبا و شیرین می‌آراید و ما که واقعاً بر حق و حقیقت هستیم و دینمان همه‌اش زیبا و شیرین است چرا به آن جلوه‌ی زیبا و شیرین نمی‌دهیم. آن‌ها آمادگی و زمینه‌ی پذیرش دین را دارند. بقیه‌ی مردم هم همین‌طور هستند.

**■ در چه صورتی معلم دینی می‌تواند الگوی دانش‌آموزان باشد؟**

□ در صورتی که خودش الگویی گرفته باشد. اگر ما خودمان الگوگیری کرده باشیم، اگر خودمان به اصطلاح شارژ شده باشیم و باتری‌مان قوی باشد، می‌توانیم نیرو هم بدهیم و شعاع نورمان زیاد و ماندگار خواهد بود. اما اگر خودمان صیغه و رنگ الهی نداشته باشیم، مطمئناً سخنانمان ماندگار و اثرگذار نخواهد بود.

خداوند، حضرت ابراهیم (ع) و حضرت رسول اکرم (ص) را در قرآن «اسوه» معرفی کرده است و اگر ما بتوانیم روش‌های آن‌ها را در مسائل علم‌آموزی، تقوا، درستی تفکر و اندیشه، برخورد با مردم، در حد توان به کار ببندیم، مطمئناً همان‌طور که اثر آن بزرگواران ماندگار شده است اثر ما هم ماندگار خواهد شد. اما اگر خدای نکرده، خودمان اعتقاد نداشته باشیم، نه تنها اثر مثبت ندارد، بلکه اثر منفی هم خواهد داشت. در مورد کسانی که گفتار و عمل‌شان با هم یکی نیست، در سوره‌ی صف آمده است: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون. کبر مقتاً عند الله أن تقولوا ما لا تفعلون»

بترسید از این‌که چیزی را بگویید ولی به آن عمل نکنید.

**■ آیا دانش‌آموزان، شما را الگوی خود می‌دانند؟**

□ تا اندازه‌ای، البته نه صددرصد! شاید بخشی از کارهای من را الگو برداری می‌کنند چون من همیشه با توسل و دعا، کارم را شروع می‌کنم و آخر کلاس هم که می‌خواهم بحث را ختم کنم به آن‌ها

سنگین باشد. اما چون کتاب عمومی و مورد نیاز جوانان است، پایین آوردن سطح آن درست نیست. باید فکری بکنیم و سطح کتاب را برای آن‌هایی که ضعیف‌تر هستند، پایین بیاوریم و از آن طرف باید سطح کتاب‌ها را برای آن‌هایی که قوی هستند بالا نگه داریم. البته معلم هم باید روش تدریس به آن‌ها را در سطوح مختلف بداند و کلامش را متناسب با آنان تعدیل کند.

من برای بازدید به مدارس مختلفی می‌روم و نظرخواهی می‌کنم. در مجموع نظرات همکاران این است که درس سنگین است و حجم کتاب‌ها، با توجه به تعطیلی‌های احتمالی، زیاد است.

### ■ به نظر شما سنگین‌ترین مباحث کتاب‌های دین و زندگی دوره‌ی متوسطه چیست؟

□ آقای دکتر اعتصامی، اصول اعتقادی را در چهار پایه توزیع کرده‌اند. همه‌ی این مطالب ضرورت دارد اما خوب است بحث‌های تفسیری و قرآنی هم با آن‌ها همراه شود و مقداری بحث‌ها سبک‌تر شوند. ضمناً بیشتر همکاران گله دارند که حجم کتاب‌های سال دوم و سوم زیاد و وقت برای تدریس آن‌ها کم است.

### ■ آیا کتاب با روش‌های نوین تدریس، که دانش‌آموز را درگیر درس می‌کند، هماهنگی و هم‌خوانی دارد؟

□ بله برای آن‌هایی که متوسط و خوب باشند، مناسب است. مؤلف در هر بحث مقدمه‌ای را آورده و بعد سه، چهار سؤال مطرح کرده است که فکر و ذهن بچه‌ها را باز می‌کند. درس با سؤال آغاز می‌شود و بچه‌ها روی سؤالات فکر می‌کنند ولی این روش برای مدارسی که دانش‌آموزان ضعیف‌تری دارد، کمی سنگین است.

ولی در مجموع کتاب خوبی است و از اندیشه‌های شهید مطهری، امام و علامه طباطبایی در آن استفاده شده است ولی اگر مقداری بحث‌های تفسیری (مثلاً از کتاب‌های تفسیر آقای قرائتی، که اخیراً به بازار آمده و خیلی ساده و همه فهم نوشته شده است) به آن اضافه شود، بهتر است.

### ■ از خاطرات شیرین و تلخ دوران تدریس تان برای ما بگویید.

□ شیرین‌ترین خاطره‌ی من از دوران تدریس به همان مراسمی برمی‌گردد که پیش از این در موردش گفتم و دانش‌آموز سابقم بعد از پانزده سال مرا به منظور بزرگداشت از مقام معلم دعوت کرد و من یکی از جوان‌ترین میهمانان آن مراسم بودم و بیش‌تر معلمان و استادان خود من در آن‌جا حضور داشتند.

خاطره‌ی تلخ خاصی، در ذهنم نیست. فقط گاهی به علت فشار کاری و شیطنت شاگردانم مسئله پیش می‌آید که برخلاف میل آن‌ها را ناراحت می‌کنم. بی‌نهایت متنفرم از این که کسی را سر کلاس ناراحت کنم اما گاهی اتفاق می‌افتد که به آنان تذکر بدهم یا این که از دانش‌آموز بخواهم از کلاس بیرون بروم که به نظر من کار بسیار ناپسندی است.

### معلمان دینی به نماز اول وقت مقید باشند

#### ■ توصیه‌ی شما به دبیران معارف اسلامی چیست؟

□ اول این که کسانی که این شغل را انتخاب کرده‌اند، سعی کنند یک شغله باشند. خدا ما را برای معلمی انتخاب کرده است. اگر بخواهیم اوقاتمان را به کار و شغل دیگری اختصاص دهیم، فکر می‌کنم به جایی نمی‌رسیم. تا الآن که خدا این توفیق را داده است و این موفقیت را به دست آورده‌اند، پس سعی کنیم خودمان را در این فضا نگه داریم، حتی با وجود سختی‌ها و مشکلاتش با نان معلمی بسازید.

اگر کسی بتواند با نان معلمی خودش را بازنشسته کند و به کار دیگری نپردازد، می‌تواند خیلی موفق باشد، شاید از نظر مادی، کمبودهایی داشته باشد. اما وقتش را با مطالعه‌ی قرآن، سیره‌ی اهل بیت و مانند این‌ها گذرانده، هم خودش سر کلاس معلم توانمندی بوده و هم توانسته است پاسخگوی خوبی برای جوان‌ها باشد.

دوم این که خود معلمان دینی به نماز اول وقت مقید باشند. - حالا که خداوند آن‌ها را معلم قرار داده است، همیشه دعاگوی شاگردان باشند و خدای نکرده به آن‌ها نفرین و بدگویی نکنند.

- با دید پدرا نه و دوستانه به آن‌ها نگاه کنند.

- از روش‌های اندیشمندان و بزرگان موفق در تعلیم و تربیت استفاده کنند (شما هم حتماً در مجله‌تان کارهای معلمان و تجربه‌های خوب گذشتگان را برای استفاده‌ی معلمان دینی بیاورید).

- معلم دینی باید آراسته، زیبا، با لباس‌های مرتب، معطر و چهره‌ی خندان و شاداب سر کلاس حاضر شود.

- معلم نباید کلاس دینی را خشک و بی‌روح اداره کند. دانش‌آموزان در کلاس دینی باید شاد باشند. علاوه بر تخصص و تعهدی که یک معلم دینی باید داشته باشد، فضای کلاسش هم باید از هر جهت شاد و جذاب باشد.

### ■ در پایان اگر برای افزایش بهره‌وری کلاس‌های آموزش معارف اسلامی پیش‌نهادی دارید، بیان فرمایید.

□ اول این که معلمان ما در کنار کتاب از وسایل کمک آموزشی، اعم از مجله (مانند مجله‌ی شما)، کتاب‌های راهنما، سی‌دی‌های آموزشی، برخی برنامه‌های صداوسیما (که روش‌های تدریس جدید را معرفی می‌کند یا از مؤلفین کتاب برای صحبت دعوت می‌کند) استفاده کنند.

آموزش و پرورش هم کلاس‌های ضمن خدمت گیرا و جذابی برای معلمان در نظر بگیرد و معلم را هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ مادی تقویت و مجهز کند تا وقتی معلم سر کلاس می‌رود، به قول ما بزدی‌ها غل و غشی در کارش نباشد و واقعاً صادقانه و با امید سر کلاس برود و با امید بیرون بیاید.

اگر این فضاها را برای معلم آماده و امر آموزش را تسهیل کنیم، مطمئناً معلم هم در سر کلاس موفق خواهد بود.

معلم دینی  
باید آراسته،  
زیبا، با  
لباس‌های  
مرتب، معطر  
و با چهره‌ی  
خندان و  
شاداب  
سر کلاس  
حاضر شود

